

## فهرست

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	یادداشت نویسنده بر چاپ دوم
۱۹	پیشگفتار چاپ اول
۲۳	گفتار نخست: جغرافیای بلوچستان در مرآت‌البلدان، نوشتهٔ اعتمادالسلطنه و میرزا مهدی خان سرتیپ
۵۱	یادداشت‌های گفتار نخست
۱۲۹	گفتار دوم: تاریخ بلوچستان در مرآت‌البلدان از زبان نثارک، نوشته و ترجمهٔ اعتمادالسلطنه
۱۴۳	یادداشت‌های گفتار دوم
۱۴۹	گفتار سوم: بلوچستان باستانی از آغاز تا اسلام
۲۱۹	یادداشت‌های گفتار سوم
۲۳۱	گفتار چهارم: کاوش در شهرساخته
۳۱۵	یادداشت‌های گفتار چهارم
۳۱۹	گفتار پنجم: جامعهٔ شهر ساخته
۳۵۹	یادداشت‌های گفتار پنجم
۳۶۱	گفتار ششم: توزیع آب در سیستان و بلوچستان
۳۶۵	یادداشت‌های گفتار ششم
۳۶۹	گفتار هفتم: تاریخ قوم کوچ در دوران اسلامی
۳۹۱	یادداشت‌های گفتار هفتم
۴۰۳	گفتار هشتم: یادداشتی کوتاه بر فراز و نشیب تیس در طول تاریخ
۴۰۹	یادداشت‌های گفتار هشتم
۴۱۱	کتاب‌شناسی
۴۴۷	نمایه



## یادداشت دبیر مجموعه

گرچه یک سده از نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی در سیستان و بلوچستان گذشته، اما داده‌های باستان‌شناختی از این منطقه در مقایسه با سایر مناطق ایران، همچنان بر پژوهش‌های چند دهه گذشته استوار است.

باستان‌شناسی در این ناحیه از ایران و به خصوص در شهر سوخته سیستان، در دهه‌های اخیر با نام دکتر سید منصور سید‌سجادی گره خورده و هرجا نامی از این منطقه باستانی برده شده، نام او نیز به میان آمد. این باستان‌شناس برجسته ایرانی، محقق پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری بوده و عضو موسسه مطالعاتی شرق میانه و شرق دور در ایتالیا<sup>۱</sup> است.

«هشت گفتار درباره باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان» حاصل مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای او درباره تاریخ بلوچستان و کاوش‌های پیوسته در شهر سوخته سیستان است؛ تحقیقاتی که به پیش از دهه هفتاد و سال‌های پس از آن بازمی‌گردد و بخشی از نتایج آن در کتاب حاضر منعکس شده است.

این کتاب نخستین بار در دهه هفتاد خورشیدی توسط سازمان میراث فرهنگی به چاپ رسید.<sup>۲</sup> از آن دوران تاکنون کاوش‌های دیگری توسط دکتر سید‌سجادی و همکاران او در این منطقه انجام شده و یافته‌های آن بر دانش باستان‌شناسی این منطقه افزوده است. در نتیجه در چاپ جدید، دو فصل چهارم و پنجم کتاب به کلی حذف و با فصول تازه‌ای جایگزین شدند؛ فصل چهارم که در چاپ پیشین

---

1. IsMEO

۲. چاپ اول توسط معاونت معرفی و آموزش میراث فرهنگی در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است.

با عنوان «فرهنگ‌های ناشناخته نیمة شرقی فلات ایران» آمده بود، جای خود را به «کاوش در شهر سوخته» داده و «جامعه شهر سوخته» در فصل پنجم چاپ جدید، جایگزین «شهر و شهرنشینی در نیمة شرقی فلات ایران» شده است. عنوان این دو فصل در چاپ اخیر گویای محتوای غنی یافته‌ها در کاوشهای باستان‌شناسی شهر سوخته در فاصله میان دو چاپ این کتاب است. هر چند به دلیل وسعت این منطقه باستانی و محدودیت‌های اعتباری در مطالعات میدانی، کاوش در شهر سوخته هنوز در مراحل اولیه قرار دارد.

این کتاب شامل بازخوانی دو متن تاریخی درباره جغرافیا و تاریخ بلوچستان نیز هست؛ گفتار نخست، در برگیرنده «جغرافیای بلوچستان» در مرآت‌البلدان، نوشته اعتمادالسلطنه<sup>۱</sup> و میرزا مهدی خان سرتیپ است. این نوشته ابتدا در شماره ۲۵۸ روزنامه ایران و در تاریخ دهم جمادی‌الثانی ۱۲۹۲ مصادف با ۲۳ تیر ۱۲۵۴ منتشر شده و شامل دو پاره است؛ بخشی که اعتمادالسلطنه نگاشته و بخش دوم که گزارش میرزا مهدی خان سرتیپ قاینی را منعکس کرده است. این گزارش که به سفارش محمد اسماعیل خان نوری وکیل‌الملک، والی کرمان و بلوچستان در آن دوران تدوین شده، نخستین بار در روزنامه ایران اعتمادالسلطنه به چاپ رسیده و بار دیگر در مرآت‌البلدان به طبع رسیده است.<sup>۲</sup>

مرآت‌البلدان به معنای آینه شهرها که به مرآت بُلْدان ناصری نیز شناخته می‌شود، به تقلید از معجم‌البلدان حموی<sup>۳</sup>، فرنگ جغرافیای ایران در دوره قاجار بوده است. گفتار دوم با عنوان تاریخ بلوچستان نیز از مرآت‌البلدان نقل شده و

۱. محمدحسن خان مقدم مraghe‌ai صنیع‌الدوله (۱۲۷۵ - ۱۲۲۲) که به اعتمادالسلطنه معروف شد، از تاریخ‌نگاران مهم عصر قاجار بود. او در فرانسه تاریخ و جغرافیا خواند و در ایران وزیر انطباعات و مترجم مخصوص همایونی شد. مدتلی نیز مدیریت روزنامه ایران، روزنامه رسمی دولت ایران دوره قاجار را بر عهده گرفت.

در این دوران آثار مهمی را گردآورد و منتشر کرد و آن طور که برخی از محققان همچون قزوینی نوشته‌اند، گروهی از نویسنده‌گان آن دوران در تدوین و گردآوری این آثار به او بیاری رسانندند.

۲. پژوهندۀ فقید استاد ایرج افشار یزدی این متن را بدون شرح اولیه اعتمادالسلطنه بر آن، در شماره ۲۸ مجله فرهنگ ایران زمین مورخ زمستان ۱۳۶۸ با عنوان کتابچه سیاحت‌نامه بلوچستان به چاپ رسانده است.

۳. یاقوت بن عبدالله الحموی مشهور به یاقوت حَمَوی (۶۲۶-۵۷۴ ق) تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان قرن ششم و هفتم قمری.

شامل روایت آریان<sup>۱</sup> مورخ یونانی از سفر نئارک<sup>۲</sup>، دریاسالار اسکندر مقدونی است. نئارک به عنوان سرپرست ناوگان دریایی اسکندر و به دستور او در ۳۲۶ پیش از میلاد به خلیج فارس سفر می‌کند و گزارشی درباره ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی و آبادی‌های آن در دوره هخامنشیان می‌نویسد. این متن نخستین بار توسط اعتمادالسلطنه با ترجمه‌ای آزاد و باحاشیه‌هایی بر آن، در مرآت‌البلدان به چاپ رسیده است. گزارش نئارک از نخستین اسناد دریانوردی در خلیج فارس نیز به شمار می‌آید.

یادداشت‌های مفصل دکتر سیدسجادی بر این دو بخش، ضمن افزودن داده‌های جدید، حاوی کتاب‌شناسی وسیعی برای دسترسی به منابع بیشتر در زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی آن منطقه است.

در چاپ اخیر، آمارها و اطلاعات تازه بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران و سایر نهادهای مرتبط، به روزرسانی شده است. همچنین در چاپ جدید، کتاب‌شناسی غنی این اثر که مرجع مهم مطالعات تاریخی و فرهنگی درباره سیستان و بلوچستان محسوب می‌شود، بر اساس «شیوه نامه ایران» و «شیوه‌نامه شیکاگو» بازنویسی شده است.

به این اعتبار «bastan-shenasii و tarijx-sisitan و bلوچستان» اثری است که محتوای آن در دو بخش درهم‌تنیده «منابع تاریخی» و «کاوش‌های باستان‌شناسی»، منبعی مهم و ارزشمند برای پژوهش‌های آتی درباره این منطقه از ایران است.

از دکتر سیدسجادی که چاپ دوم این کتاب را به مجموعه «پژوهش‌های ایران فرهنگی» سپردند و با محبت و سخاوتی مثال‌زدنی اسباب غنای این مجموعه را فراهم ساختند، بسیار سپاسگزارم.

محسن شهرنازدار

۱. فلاویوس آریانوس (۸۶ - ۱۶۰ م) فیلسوف و مورخ یونانی، این شرح را در کتاب ایندیکانوشه است. او چون زاده نیکومدی در آسیای صغیر بود به آریان نیکومدی مشهور شد.

۲. یا نئارخوس (Nearchus)



## یادداشت نویسنده بر چاپ دوم

اطلاعات ارائه شده در متن چاپ اول کتاب حاضر مربوط به داده‌های به دست آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی پیش از سال‌های دهه ۷۰ خورشیدی است. از آن پس پژوهش‌های دیگری در بخش بلوچی استان سیستان و بلوچستان انجام شده است که بیشتر آن‌ها در رابطه با نجات‌بخشی آثار یا بررسی‌های باستان‌شناسی محدودی بوده که در منطقه انجام شده است. در مجموع لازم به اشاره است که اطلاعات و داده‌های باستان‌شناسی بلوچستان ایران نسبت به سایر مناطق هنوز مکفى نیست.

از دیدگاه پژوهش‌های باستان‌شناسی علمی، سر اورل اشتین باستان‌شناس انگلیسی نخستین فردی است که اطلاعات مفیدی درباره قابلیت‌های باستانی بلوچستان ایران ارائه کرده است. در طی سفرهایی که او به سیستان، شمال و جنوب بلوچستان و کناره‌های دریایی مکران و خلیج فارس داشته است، بسیاری از محظه‌های باستانی منطقه را شناسایی کرده است. (Stein, 1937)

پس از بررسی‌های اولیه اشتین، بئاتریس دکاردی دیگر باستان‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۶۵ اولین سلسله از فعالیت‌های جدید باستان‌شناسی را با حفر دو گمانه کوچک و محدود در تپه بمپور آغاز و نتایج آن را منتشر کرد. (De Cardi, 1970). پس از آن در دهه پنجاه گاری هیوم (Hume, 1976) از دانشگاه مینه‌سوتا در کناره‌های رودخانه لادیز و سپس جودیت ماروچک در خاکش موفق به کشف آثاری یکصد تا هفتاد هزار سال پیش، به صورت تیغه‌ها و خراشنده‌ها و سایر

ابزارهای سنگی شدند (Maruchek, 1975). در همین گروه بررسی‌ها در دوران پارینه‌سنگی می‌توان از بررسی‌های ویتا فینزی و همکارانش در سدیچ، کوهستک، بخش شمال غربی کنارک و بخش جنوب شرقی همین شهر نام برد که به کشف ابزارهای سنگی انسان‌های اولیه منجر شد که تاریخ موقعی آن‌ها بین ۷۵۰۰۰ تا ۶۵۰۰۰ سال پیش است (Vita-Finzi & Copeland, 1980). در همین دهه ماریتیسیو توزی کاوش‌های بسیار محدودی در گورستان دوران مفرغ دامین انجام داد (Tosi, 1970).

پس از انقلاب اسلامی بررسی‌ها و کاوش‌های پراکنده‌ای در استان انجام گرفت که اهم آن‌ها عبارتند از: بررسی‌های سراوان، قلعهٔ تیس، بمپور، حوزهٔ رودخانهٔ بمپور، چابهار، جاسک، نیکشهر و یک سلسله کاوش‌ها و بررسی‌های آموزشی در محوطه‌های گوناگون دیگر که نتایج بیشتر آن‌ها تاکنون منتشر نشده است. بررسی‌های انجام شده در سال ۱۳۸۵ در جالق سراوان (مرادی، ۱۳۹۰: ۱۷۹ - ۱۶۱)، در بخش‌هایی از شهرستان‌های سرباز (سرحدی دادیان و مرادی، ۱۳۸۷)، زاهدان (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۵۳)، خاش (حیدری و قادری، ۱۳۹۱: ۱۵۷)، سراوان، سوران و زابلی (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۹۱: ۴۰۷)، شناسایی و بررسی سنگ‌نگاره‌های سراوان (Moradi *et al* 2013)، شهرستان‌های ایرانشهر و دلگان توسط (مرادی و دیگران، ۱۳۹۲) بررسی‌های قصر قند (Shirazi and Soltani, 2011a) نیز بخشی از فعالیت‌های انجام گرفته در بلوچستان است. برجسته‌ترین این فعالیت‌ها، کارهای انجام شده در حوزهٔ رودخانهٔ بمپور است (Moradi *et al* 2014, fig. 2). در طول این بررسی تعداد قابل توجهی از محوطه‌های جدید از هزاره چهارم پیش از میلاد و با سفال همانند با چاه حسینی و دورهٔ پنجم استقرار در تپهٔ یحیی و دورهٔ دوم در تل ابلیس در غرب تپهٔ بمپور و در امتداد رودخانهٔ بمپور کشف شد که فرصت بسیار مناسبی را برای سنجش فرضیات پیشین دربارهٔ تپهٔ بمپور ارائه داده و با مطالعات مواد فرهنگی و همچنین تجزیه و تحلیل‌های فضایی مکانی محوطه‌های دوران مس‌سنگی و مفرغ ناحیه، می‌توان به تفسیر نسبتاً جامعی دربارهٔ رویدادهای فرهنگی بلوچستان دست یافزید.

اما کهن‌ترین آثار پیدا شده استقراری در بلوچستان در تپه کوچک چاه‌حسینی در جنوب کوه بزمان (Stein, 1937:137) و دشت بمپور دیده شده که مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است که آثار آن شبیه به ادوار استقراری دوم و سوم تل ابليس و آثار جدیدتر آن شبیه دوره پنجم استقرار در تپه بمپور و تپه یحیی در کرمان است. پیدایش سفال‌های یکسان و یک‌شکل از چاه‌حسینی در بلوچستان تا تل ابليس و تپه یحیی در کرمان نشان دهنده وسعت و گسترش جغرافیایی منطقه‌ای با استقرار جوامع کشاورزی در جنوب شرقی ایران در نیمه هزاره چهارم پیش از میلاد است.

مجموعه این مدارک به دست آمده از استقرارگاه‌های انسانی در بلوچستان تا اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد نشان می‌دهد ساکنان اولیه بلوچستان در طی هزاره سوم پیش از میلاد ارتباطات نزدیک فرهنگی با استقرارگاه‌های همزمان خود در کرمان داشته‌اند و احتمال دارد که همراه آنان و به شکل گروهی واحد، برخی ارتباطات غیرمستقیم فرهنگی با بعضی از محوطه‌های دورتر غربی نیز برقرار کرده باشند.

بیشترین اطلاعات مربوط به دوران آهن و بعد از آن در بلوچستان از تعدادی قبرهای سنگی که از مکران پاکستان تا بندر بوشهر وجود دارند به دست آمده است (Cleuziou, 1976 - 77). این قبرها در دامنه تپه‌ها و صخره‌ها کنده شده و تقریباً تمامی آن‌ها در نزدیکی منابع آب قرار دارند و در ساختمان آن‌ها از سنگ‌های موجود محلی استفاده شده است (Stein, 1937: 73). مهم‌ترین مجموعه قبرهای سنگی در دامب‌کوه قرار گرفته است. گورهای صخره‌ای و سنگی اینجا دارای دیوارهای مستطیلی هستند و با تخته‌سنگ‌های نامنظم و بدون استفاده از ملات پوشیده شده‌اند. برخی از گورهای دامب‌کوه شبیه قبور سنگی مغول گوندای هستند و از سوی دیگر پیدا شدن سکه‌های مسی پارتی و سکه‌های مسی دیگر، که یکی از آن‌ها مربوط به سیناتروس و متعلق به سال‌های ۷۷ - ۷۰ پیش از میلاد است (Ibid., 76) نشان دهنده تداوم این نوع قبرسازی در منطقه است.

آثار به دست آمده از این قبرهای سنگی نشان دهنده وضعیت استقرار گروه‌ها و اجتماعات انسانی در بلوچستان طی هزاره اول پیش از میلاد تا زمان پارت‌ها است.

در میان پژوهش‌های جدید باستان‌شناسی بلوچستان باید به بررسی‌های انجام شده درباره سنگنگاره‌های این منطقه نیز اشاره شود. در میان این گروه از فعالیت‌ها باید به مطالعات و شناسایی نقوش برجسته نیکشهر (Soltani, 2010) قصرقند (Shirazi and Soltani, 2011) و دره مرزبانیک و نیز نگاران اشاره کرد (Moradi and Sarhaddi-Dadian, 2013).

فعالیت‌های باستان‌شناسی در بلوچستان پاکستان از سابقه و تداوم بیشتری برخوردار بوده است. اکتشافات باستان‌شناسی در اینجا نیز پس از بررسی‌های اولیه اشتبین آغاز شده است و به ویژه می‌توان از پژوهش‌های انجام شده در مناطق کویته، پیشین، چغای، کلات، زاب و لورلای (Faierservis, 1956; 1959; 1961)، (Raikes, 1968)، (Casal, 1961a)، (Jarrige et al, 1979)، (Mughal, 1979)، (Jarrige & Lechavallier, 1979)، (Besenval, 2000) و در سال‌های اخیرتر شاهی‌تومپ در مکران (1972) نام برد.

سید منصور سید سجادی

زمستان ۱۳۹۸

## پیشگفتار چاپ اول

هشت گفتار درباره باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان عنوانی است که به سبب تنوع مطالب نوشته شده در این کتاب انتخاب شده است. بخش‌هایی از کتاب حاضر که بیشتر به صورت‌های مختلف و در نشریات مختلف ایرانی و خارجی به چاپ رسیده بوده مجدداً بازبینی و بازنویسی شده است. تمام گفتار نخست و یادداشت‌های مربوط به آن همراه با سفرنامه علاءالملک به زبان انگلیسی و به کوشش نویسنده این سطور در دانشگاه شرق‌شناسی ناپل زیر چاپ است.

با اینکه در زبان فارسی به‌ویژه در سال‌های اخیر کتاب‌های چندی در مورد سیستان و بلوچستان نوشته شده، نویسنده این سطور بر آن است که هنوز بهترین و کامل‌ترین توصیفات جغرافیایی از آن اعتمادالسلطنه و نویسنده‌گانی چون مسعود کیهان و محمدعلی مخبر است. این در حالی است که در زمینه تاریخ و زبان و ادبیات بلوچی نوشته‌های علی‌اکبر جعفری در سطح بسیار بالای پژوهشی و تحقیقی قرار دارد، در زمینه جامعه‌شناسی و زندگی روزمره بلوچان و بلوچستان کارهای برقعی و اسلام کاظمیه و ایرج مهدویان بسیار درخور توجه است متأسفانه دیگر کارهای کوچک و بزرگ انجام شده حالت جمع‌آوری شتاب‌زده و کمی ناقص از این کارهای دارای ارزش علمی و پژوهشی نیست.

در سال‌های اخیر نیز شماری از کارهای تجربی-پژوهشی جالبی منتشر شده که یکی از آن‌ها کار بدیع و جالب محمود زند مقدم (حکایت بلوچ) است.

نویسنده این کتاب با تجربه بسیار زیاد خود که نتیجه زندگی و سفر به مناطق مختلف بلوچستان بوده زندگانی بلوچ را به شکل بسیار زیبایی ترسیم کرده است. کارهایی در مقیاس کوچک‌تر و از جمله مقاله‌های جانب‌اللهی و پاپلی یزدی که به نوبه خود پژوهش‌های دست اول و در خور توجهی هستند در جای دیگری (کتاب‌شناسی فارسی سیستان و بلوچستان در دست تهیه) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یکی از نواقص عمدۀ کتاب‌های منتشر شده در مورد سیستان و بلوچستان، حتی کارهای خوب و به استثنای چند مورد انگشت‌شمار، از یک‌سو نقص و کمبود منابع و مأخذ و ارجاعات است و از سوی دیگر ارجاعات غلط و اشتباهی که خواننده را سردرگم می‌کنند. در کتاب حاضر بدون آنکه نواقص و اشتباهات آن را نادیده بگیریم، سعی شده کتاب‌شناسی نسبتاً جامع و کاملی از منابع مورد استفاده ارائه شود تا در صورت لزوم بتوان به منابع اصلی مراجعه و از آن‌ها استفاده کرد.

چنان‌که گفته شد در کتاب حاضر هشت گفتار در مقوله‌های جغرافیا، تاریخ و باستان‌شناسی سیستان و بلوچستان به خوانندگان ارائه شده است. گفتار نخست نوشته‌های میرزا مهدی خان سرتیپ و به نقل از کتاب مرآت‌البلدان اعتماد‌السلطنه است. با توجه به این مسئله که داده‌ها و آمارهای میرزا مهدی خان تقریباً به یک‌صد سال پیش بر می‌گردد، نویسنده با استفاده از منابع در اختیار تقریباً در مورد هر نکته‌ای با توجه به آخرین پژوهش‌ها یادداشتی ارائه کرده است. همین مسئله در مورد گفتار دوم نیز صادق است. گفتارهای سوم تا هشتم حاصل کار و تحقیق نویسنده در ده سال اخیر در زمینه باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان است<sup>۱</sup> که امید است مورد پسند محققان و پژوهشگران واقع شود. امیدوار است خوانندگان گرامی نواقص و اشتباهات وی را با بزرگ‌منشی یادآوری کنند تا در آینده از راهنمایی‌های آنان بهره‌مند شود.

۱. دهه شصت و اوایل دهه هفتاد

نویسنده از آقای دکتر آدریانو روسی استاد فیلولوژی ایرانی و رئیس دانشگاه شرق‌شناسی ناپل، آقای دکتر گرارد نیولی استاد مذهب ایرانی و رئیس مؤسسه ایزمنو، آقای دکتر ماریتسیو توزی استاد باستان‌شناسی ایران باستان و رئیس (سابق) کاوش‌های شهر سوخته در ایران به خاطر کمک‌ها و راهنمایی‌های سازنده‌شان سپاسگزار است. نویسنده همچنین برخود لازم می‌داند که از خانم سیما سلطانی به خاطر وسعت نظرشان در یاری به نویسنده در یافتن برخی از منابع ذکر شده در کتاب‌شناسی تشکر کند. در پایان خواهان آن است که میرعبدیل کابلی مراتب سپاس و تشکرات وی را به خاطر یاری و همکاری در کلیه موارد غیرقابل شمارش در این مختصر بپذیرد.

سید منصور سید سجادی

طرابلس، اردیبهشت ۱۳۷۲